[خطبه‌ی اول 3](#_Toc460707895)

[سخنانی پیرامون حضرت زهرا3 3](#_Toc460707896)

[حضرت زهرا3 و آیات مرتبط با ایشان 3](#_Toc460707897)

[ویژگی‌های سوره‌ی کوثر 4](#_Toc460707898)

[مصادیق کلمه‌ی کوثر 4](#_Toc460707899)

[فاطمه‌ی زهرا3 قدر متیقن مصداق کوثر 5](#_Toc460707900)

[آمار کمی سادات و ذریه‌ی رسول اکرم7 7](#_Toc460707901)

[آمار کیفی سادات و ذریه‌ی پیامبر اکرم6 7](#_Toc460707902)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc460707903)

[سالروز تاسیس شورای نگهبان 11](#_Toc460707904)

[تاریخچه‌ای از تشکیل شورای نگهبان 11](#_Toc460707905)

[نظیر نهاد شورای نگهبان در کشورهای دیگر 11](#_Toc460707906)

[وظایف شورای نگهبان در قانون اساسی 12](#_Toc460707907)

[1. تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قوانین اسلامی و قانون اساسی 12](#_Toc460707908)

[2. تفسیر قانون اساسی 12](#_Toc460707909)

[3. نظارت بر انتخابات 12](#_Toc460707910)

[اعضا و نحوه‌ی نصب اعضای شورای نگهبان 12](#_Toc460707911)

[مواضع قاطع امام خمینی از جایگاه شورای نگهبان 13](#_Toc460707912)

[روز بهزیستی و تامین اجتماعی 14](#_Toc460707913)

[ضرورت اجرایی شدن طرح تکریم در همه‌ی ادارات 14](#_Toc460707914)

[**دعا** 14](#_Toc460707915)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## سخنانی پیرامون حضرت زهرا3

در ایام فاطمیه‌ی اول و دوم و میانه‌ی دو فاطمیه قرار داریم و طبیعی است که در این ایام، سخن از حضرت زهرا3 به میان بیاید و پیرامون شخصیت آن حضرت، مطالبی را تقدیم محضر شما برادارن و خواهران گرامی بنمایم. در شان حضرت زهرا3 هم فراوان گفته شده است و مطالب زیادی را شنیده‌اید و در منابع روایی شیعه و سنی، اگر دقت کنیم مطالب زیاد و فوق‌العاده عجیب در باب شخصیت حضرت زهرا3 ملاحظه می‌کنیم.

### حضرت زهرا3 و آیات مرتبط با ایشان

شخصیتی که آیات زیادی از قرآن ناظر به این چهره و شخصیت عظیم الشان پرداخته است. در بسیاری از آیات قرآن که در شان ولایت و امامت نازل شده است، حضرت زهرا3 هم سهیم و شریک هستند. خیلی از آیاتی که در شان امیرالمومنین یا ائمه یا اصحاب کسا: و آیاتی که از این قبیل که در باب امامت و ولایت، وارد شده، فاطمه‌ی زهرا3 هم در آن آیات سهیم هستند. علاوه بر این آیات که به صورت مشترک درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا3 هم نازل شده یا تطبیق داده شده، علاوه بر این‌ها آیاتی هم در شان حضرت زهرا3 نازل شده است و علاوه بر این‌ها یک سوره هم به خصوص در شان فاطمه‌ی زهرا3 نازل شده است. بنابراین سه گروه از آیات، در قرآن کریم هست که به نحوی با شخصیت زهرای اطهر، ارتباط دارد. یا آیات عمومی که مربوط به امامت و ولایت است و با حضرت زهرا3 ارتباط دارد یا آیاتی که در خصوص حضرت زهرا3 نازل شده و یک سوره‌ی کوچکی هم که بخصوص با حضرت زهرا3 ارتباط دارد که سوره‌ی کوثر است. در خصوص سوره‌ِی کوثر که کوتاه‌ترین سوره‌ِی قرآن هست، مطالبی را قطعا شنیده‌اید و عرائض من دو سه نکته درباره‌ی این سوره و بعد هم فرازهایی از خطبه‌ِی فدکیه است که ذکر می‌کنم.

### ویژگی‌های سوره‌ی کوثر

سوره‌ی کوثر که کوتاه‌ترین سوره‌ی قرآن کریم هست، بنابر آنچه که از تفاسیر شیعه و سنی بر می‌آید، با حضرت زهرا3 ارتباط دارد. سوره‌ِی کوثر، یک واژه‌ای دارد که فقط یک بار در قرآن کریم ذکر شده است و آن کلمه‌ی کوثر هست. خداوند با یک زبان امتنانی، به پیامبر و رسول گرامی اسلام6 خطاب می‌کند: ما به تو کوثر عطا کردیم. این لحن، امتنان دارد. این لحن در جایی که یک نعمت خاصی را با منت خاصی به کسی اعطا شده باشد، می‌آید.

علاوه بر این، تعبیر إِنَّا هم آمده است که خدا می‌فرماید: ما به تو این نعمت را بخشیدیم. این تعبیر جمع، یک مبالغه و تاکیدی دارد. مرحوم علامه طباطبایی و مفسیرین می‌فرمایند: در این آیه تعبیر اعطا شده است. اعطا یعنی ما این نعمت را به تو دادیم و آن برای خودت شد. گاهی این تعبیر نیست ولی در اینجا تعبیر این است که ما به تو نعمتی اعطا کردیم و این نعمت برای تو شد.

نکته‌ی سوم هم این است که به کوثر تعبیر شده است که فقط همین یک بار در قرآن کریم آمده است و طبق آن چیزی که در لغت آمده و اختلافی هم در آن نیست، کوثر یعنی خیر زیاد و چیزی که برکات و خیرات زیادی را به همراه داشته باشد. از آن صیغه‌های مبالغه‌ای است که موکد در مبالغه هم هست. خیر بسیار فراوان. این آیه‌ی اول سوره‌ی کوثر که با توضیحی که خواهم داد در شان این بانوی نمونه و زن الگو و قهرمان و اسوه‌ی تاریخ، نازل شده، در همین آیه‌ی اول، تاکیداتی هست که نشان می‌دهد که خدا به یک نعمت بسیار برازنده، نعمت بسیار بزرگ و عظیم، اشاره دارد. ما و دستگاه ربوبی خداوند، به توی پیامبر، چیزی را بخشیدیم و عنایت کردیم که برای خودت شد و آن چیزی که به تو بخشیده شد، کوثر است.

#### مصادیق کلمه‌ی کوثر

منبع خیرات و خوبی‌های فراوان. در مفهوم لغوی کوثر بحثی ندارد که خیر زیادی به تو دادیم؛ اما در تعیین مصداق آن، اقوالی هست که برخی از آن‌ها مهم است.

1. **پیروان فراوان**

یک قول در اینجا این است که کوثر یعنی پیروان زیاد. ما به تو در طول تاریخ، پیروان زیادی خواهیم داد و دین تو باقی خواهد ماند. پیروان و متدینان دین تو در گذر تاریخ، افزایش پیدا خواهند کرد. این یک معناست که ما به تو در طول تاریخ، پیروان زیادی می‌دهیم.

1. **دین و معارف دینی**

یک معنای کوثر یعنی دین. یعنی ما به تو دین و معارفی بخشیدیم که در آن خیرات و معارف فراوانی وجود دارد

1. **ذریه‌ی فروان**

معنای سوم آن این است که ما به تو ذریه‌ی فراوانی دادیم. ذریه‌ای که از طریق حضرت زهرا3 ست و آن معنای چهارمی هم که برای آن ذکر می‌شود کوثر یعنی فاطمه و ولایت و امامت که از نسل و ذریه‌ی حضرت زهرا3 محافظت می‌شود. این‌ها حداقل معنا و مصداقی است که برای کوثر ذکر شده است.

#### فاطمه‌ی زهرا3 قدر متیقن مصداق کوثر

آنچه که در این آیه مسلم است، این است که حضرت زهرا3 محور این کوثر است و قدر متیقن کوثر است. این را ما نمی‌گوییم حتی این را فخر رازی که از علمای بزرگ اهل سنت است، می‌گوید. از علمایی هم هست که به لحاظ علمی، برجستگی زیادی دارد و آثار بسیار متعدد فلسفی، کلامی، تفسیری و حدیثی نوشته است و در فلسفه کتاب‌های بسیار مهمی دارد. مباحث المشرقیه‌ی او یک کتاب فلسفی بسیار مهمی است و در تفسیر کبیر هم نوشته‌ی فخر رازی است که از مهم‌ترین کتب تفسیری علمای سنت است. فخر رازی هم از علمایی است که متعصب هم بوده است. برخی از آیات ولایت و امامت را که خیلی از علما و دانشمندان اهل سنت، پذیرفته‌اند که مربوط به امامت و ولایت هست را فخر رازی قبول ندارد. یک انسان هم بسیار عالم است و کتاب‌های متعددی نوشته است و در تاریخ فقه و کلام و تفسیر و فلسفه از انسان‌های ماندگار دنیای اسلام است. یک عالم برجسته و بسیار قوی است. در میان کتاب‌های او، کتاب تفسیر او از کتاب‌های بسیار شناخته شده است و در عین حال انسانی است که تا حد زیادی متعصب به مذهب سنی است و در آیات ولایت خیلی اشکال و حرف دارد و این در حالی است که خیلی از علمای اهل سنت، ارتباط آن آیات با ولایت را پذیرفته‌اند.

**مصداق کلمه‌ی کوثر در نگاه فخررازی**

وقتی فخر رازی در کتاب تفسیر خود، به سوره‌ِی کوثر می‌رسد، در بین آیات ولایت و امامت، و آیاتی که به ذریه‌ی رسول الله ارتباط دارد این آیه را می‌پذیرد و سه در معنای کوثر، سه احتمال را بیان می‌کند و احتمال سوم را تقویت می‌کند. به قرائن و شواهدی می‌گوید: این کوثر با ذریه‌ی رسول الله ارتباط دارد و با فاطمه‌ی زهرا3 ارتباط دارد.

قرائن دال کوثر بودن فاطمه‌ی زهرا3

قرائنی هم در اینجا وجود دارد که من به قرائن تفسیری آن را بیان نمی‌کنم و یک قرینه‌ای که مورد اتفاق همه‌ی مفسیرین است که سوره‌ِی کوتاه کوثر، در شان فاطمه و ذریه‌ی رسول خدا و نسل رسول خدا نازل شده است و بهترین قرینه هم آیه‌ی آخر همین سوره هست( **إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتر**)[[4]](#footnote-4) برای آن هم معانی غیر ظاهری ذکر کرده‌اند؛ اما تقریبا کسی در این تردیدی ندارد که این سوره، در مقابل تهمت و طعنه‌ای که به رسول خدا زدند این سوره نازل شد و آن طعنه این بود که وقتی فرزندان پسر رسول خدا از دنیا رفتند، مکرر در میان مردم، این تهمت به رسول خدا زده می‌شد و مشرکان این طعنه را به پیامبر می‌زدند که او فرزند پسری ندارد و دشمنان رسول خدا دلشان را به این خوش کرده بودند که مشعل اسلام بعد از پیامبر خاموش شدنی است چون او پسر ندارد و نسل او قطع می‌شود. دودمانی که راه و مسیر او را ادامه دهند و تداوم ببخشند، باقی نمانده است. این امید واهیی در میان آن‌ها بود و لذا بعد از این که فرزندان پسر پیامبر از دنیا رفتند، این تعبیر را به کار می‌بردند که پیامبر ابتر است و کسی از پیامبر باقی نخواهد ماند. این نکته‌ای بود که در آیه‌ی آخر سوره‌ی کوثر به آن اشاره شده است. این قرینه و قرائن دیگری که در این سوره وجود دارد و اینجا مجال ورود به آن قرائن نیست، نشان دهنده‌ی این است که این کوثر، حداقل و قدر متیقن مضمون این آیه، نسل و ذریه‌ی رسول خدا و آن دختر گرامی و نازنینی است که حامل این ذریه بود. نقطه‌ی اتصال رسول خدا با نسل و ذریه‌ی او بود این قدر متیقن و محور سوره‌ی کوثر است.

ما اصراری نداریم که کوثر را منحصر در آن معنا کنیم. خیر ممکن است کسی بگوید که کوثر دارای معنایی است که همه‌ی این مصادیق را در بر می‌گیرد. کوثر یعنی دینی که دارای آن همه معارف و حقایق است. کوثر یعنی پیروان فراوان و متدینان زیادی که در طول تاریخ، به این دین خواهند گروید. کوثر یعنی امامت و ولایت و کوثر سایر آن مضامین و مصادیقی که دارد را در بر می‌گیرد. اما روی این نقطه نمی‌َشود کوتاه آمد که مصداق اصلی و قدر متیقن معنای کوثر فاطمه و ذریه‌ِی فاطمه است که در این نمی‌شود تردید کرد. فخر رازی عالم سنی مذهب که از نظر علمی دارای آن جلالت علمی است و در عین حال انسان متعصبی است، در این سوره‌ که قلم می‌زند و وارد بحث می‌َشود، این را می‌پذیرد و بعد هم جملات خیلی زیبایی در باب کوثر دارد. می‌گوید محور کوثر و خیر فروانی که خداوند به رسول خود عنایت کرده، فاطمه است و از قبل این وجود نازنین، ذریه‌ی فراوانی که خداوند به پیامبری که پسری از او باقی نمانده، عنایت کرده این مصداق کوثر است. این قدر متیقن کوثر است. بعد فخر رازی میگوید چگونه ما نپذیریم کوثر عظیمی که خداوند به رسول خود بخشید، در حالی که در گذر تاریخ می‌بینیم از همین خاندان و از این درخت تنومند رسالت و امامت و ولایت، چهره‌هایی مثل امام باقر امام صادق و امام کاظم برخواسته‌اند. گویا فخر رازی می‌خواهد بگوید برای کوثر بودن فاطمه، همین اندازه که از دودمان او کسی مثل باقر و صادق و امام کاظم به وجود آمده، همین کافی است که فاطمه کوثر باشد. ما زنان بزرگ تاریخ را بزرگ می‌دانیم که در دودمان و فرزندان آن‌ها، یک عالم برخواسته باشد. می‌گوییم این زن بزرگی بوده است. دو تا دانشمند و متفکر و چهره‌ی بزرگ پیدا شود می‌گوییم این زن، زن بزرگی بوده است. فخر رازی می‌گوید: چطور می‌شود فاطمه را کوثر ننامید در حالی که در دودمان او در طول قرن‌ها، انسان‌های بزرگی برخواسته‌اند و از جمله‌ی آن‌ها نام امام باقر و امام صادق را می‌برد. این حرف یک مفسر سنی مذهب هست. مفسری که در خیلی از آیات امامت و ولایت هم کوتاه نمی‌آید. تعصبات سنی‌گری خود را نشان می‌دهد؛ اما به سوره‌ِی کوثر که می‌رسد تسلیم می‌شود. کوثر، دین رسول خداست. کوثر معارف رسول خداست. کوثر پیروان و متدینان به دین رسول خدا هستند؛ اما محور آن کوثری که قدر متیقن از این آیه است فاطمه و دودمان فاطمه است. دودمانی که هم در کمیت و هم کیفیت، فوق العاده وسعت پیدا کرده‌اند.

#### آمار کمی سادات و ذریه‌ی رسول اکرم7

در کتابی که شاید بیست سی سال قبل نوشته شده است، دارد که ساداتی که ذریه‌ی رسول خدا هستند و از ناحیه‌ی فاطمه‌ی زهرا3 نسل رسول خدا به حساب می‌آیند، فکر می‌کنم قریب به 40 میلیون ذکر کرده است. یعنی حدود 30 سال قبل،‌ دودمان رسول خدا و فاطمه‌ی زهرا3 که تنها همین یک راه هم وجود داشته، در ایران آن زمان حدود 4 میلیون سید وجود دارد و در سایر کشورهای اسلامی، قاره‌ی آسیا و آفریقا و مناطق دیگر، همین طور آمار سادات را به دست آوردند که حدود 40 میلیون در سی سال قبل رقم زده شده بود. همان جا هم نویسنده‌ی آن کتاب که یک عرب است تعبیرش این است که ما بر حسب تخمین‌ها می‌گوییم از نسل رسول خدا، همان پیامبری که دشمنان، به دلیل نداشتن پسر او را ابتر نامیدند و دل به این بسته بودند که دودمان رسول خدا قطع خواهد شد، پیروان او منقرض خواهند شد، دین او به تاریخ خواهد پیوست، قرآن به صورت معجزه‌گونه، پیشگویی کرده است که ای پیامبر ما، آرام و مطمئن باش که ما به تو کوثر بخشیدیم. ما به تو عالی‌ترین نعمت که مجرای امامت و ولایت است و پشتوانه‌ی تداوم دین خدا و بقای رسالت توست، به تو عنایت کردیم. امیدوار و مطمئن باش دشمنان تو نابود خواهند شد. نام دشمنان تو در تاریخ، دفن خواهند شد اما مشعل پیام تو، درخت تنومند ذریه و سلاله‌ی تو باقی خواهد ماند و محور این دودمان و درخت تنومند و تناور، فاطمه‌ی زهرا3 است. سی سال قبل می‌گوید علیرغم این که آمار دقیقی وجود ندارد، حدود 40 میلیون سید در جهان وجود دارد. قائدتا اگر آمار درقیق‌تر باشد این رغم افزوده می‌شود و با افزایش جمعیت، باید بحث 80-90 میلیون، ذریه‌ِی رسول الله باشد. در این آمار هم طرف دختر را حساب نمی‌کنند. اگر شما طرف دختر را هم حساب بیاید، افزایش جمعیت را هم به حساب بیاوریم و آمارها هم اگر دقیق‌تر شود، از 100 میلیون به مراتب ذریه‌ی رسول خدا و کسانی که از طریق فاطمه‌ی زهرا3 به این دودمان اتصال پیدا می‌کنند، ارقام بیشتری می‌شود. فخر رازی می‌گوید: این از معجزه‌های قرآن است که پیشگویی کرده تو از قبل یک دختر، دودمانی با این عظمت در تاریخ، از تو به یادگار خواهد ماند. این اعجاز سوره‌ی کوثر است. بیش از 100 میلیون ذریه‌ی رسول خدا در وضع فعلی ماست. این به لحاظ کمیت است.

#### آمار کیفی سادات و ذریه‌ی پیامبر اکرم6

اما وقتی به لحاظ کیفیت به این شجره‌ی طیبه و دودمان بزرگ و درخت بزرگ امامت و رسالت نگاه می‌کنیم، بحث عدد و رغم و آمار 100 میلیون سید لازم نیست. اینجا بحث این است که کسی مثل امام صادق و امام باقر برخواسته است. کسی مثل امام زمان حضور دارد. در این دودمان آن همه، اولیای الهی، دانشمندان عظیم الشان، چهره‌هایی که هر کدام، مشعل فروزان برای هدایت بشر بودند. این کوثر و اعجاز قرآن نیست؟ آن زمانی که رسول خدا در تنهایی در غربت بود در مقابل حجم عظیم طعنه‌های دشمن بود و از او تنها یک دختر باقی مانده بود، سوره‌ی کوتاهی به این زیبایی و فصاحت و بلاغت وارد شد که ای پیامبر، ما به تو کوثر بخشیدیم. این کوثر پشتوانه‌ی حرکت و پیام تو خواهد بود. کمیت آن بیش از 100 میلیون ذریه‌ی رسول خداست و کیفیت آن سلسله‌ی امامان و پیشوایان بزرگ الهی و آن همه عالم و دانشمند و آن همه برکات و خیراتی که سراسر عالم را پر کرده است. این کوثر است این فاطمه است. این فاطمه، وجود کمی نیست. تازه این یک بخش از شخصیت فاطمه است. فاطمه کوثری است که از نسل او، صدها میلیون ذریه‌ی رسول خدا پدید آمدند و از نسل او امامان و پیشوایان معصوم برخواستند و در دودمان او آن همه عالمان و بزرگان و چهره‌های ممتاز پدیدار شد. این یک گوشه از شخصیت فاطمه است.

خواهران و برادران، ما در مکتبی زندگی می‌کنیم که خداوند این همه افتخار به او داده است و در میان این افتخارات، تنها فاطمه کافی است برای این که به ما امید بدهد به ما روح و ایمان بدهد. الگوی حرکت و ایمان ما باشد. یک گوشه‌ی شخصیت این معدن خیرات و برکات فراوان، این دودمان فراوان و آن چهره‌های بزرگ ایمانی و امامت و ولایت هست و بخش‌های دیگر زندگی فاطمه هم چشمه‌های دیگری از همین کوثر است. این سرچشمه‌ای هست که از آن چشمه‌ها برخواسته است. این آب زلالی است. این فاطمه است. این گوشه‌ای از زندگی فاطمه است.

فرازهایی از خطبه‌ی فدکیه حضرت زهرا3

همین فاطمه‌ای که به گوشه‌ای از کوثر بودن او و خیرات و برکات عظیمی که خداوند از مجرای این فیض، نصیب بشریت کرده، وقتی که به سراغ او برویم و در مسجد مدینه او را ببینیم، آن همه حماسه می‌آفریند و آن همه معرفت می‌آموزد. آن خطبه‌ی فدکیه که در افق تاریخ، مانند آن را کم داریم، بر تارک تاریخ بشریت، آن فصاحت و بلاغت و آن همه علم و معرفت و حماسه، در خطابه‌ی فدکیه می‌درخشد که در سال‌های قبل بخش‌هایی از آن را خواندم و امروز هم از باب تبرک، در پایان این خطبه، به چند فراز از خطبه‌ی فدکیه اشاره می‌کنم. محورهایی که در این خطبه مورد سخن فاطمه‌ی زهرا3 هست با آن وضع بسیار تکان دهنده و حضور عجیب و تکان ‌دهنده‌ای که فاطمه در مسجد مدینه داشت، در یک محور به اصول اعتقادات و معارف دین، اشاره می‌کند و در جای جای این خطبه، با بیان و سخن بسیار زیبا و سنجیده، بخش زیادی از معارف اسلامی را تبیین می‌کند. بخشی از این خطبه، به تبیین جایگاه و منزلت و نقش رسول خدا6 در پایه‌گذاری دین اسلام پرداخته است و قسمتی از این خطبه، به تبیین جایگاه امیرالمومنین7 و آن امام بزرگ، اختصاص پیدا کرده است و قسمت‌های زیادی از این خطبه، به شناخت انحرافی که در جامعه پدید آمده بود، اختصاص پیدا کرده است. با کلماتی بسیار کوتاه و زیبا که عمق روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نگاه فاطمه را نشان می‌دهد، وضعیت مردمی که به گمراهی کشیده شده بودند، در آنجا نشان داده می‌شود.

از این جمله‌ی این محور چهارم، این جملات فاطمه است: «**فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِه**‏»[[5]](#footnote-5). هنگامی که خداوند رسول خود را به سوی خود دعوت کرد و او را از این عالم به عالم ملکوت بر کشید « **ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاق**‏» در میان شما مردم مدینه، دشمنی‌های منافقانه آشکار شد. دشمنی‌های نهفته‌ی تاریخی در میان شما بعد از رسول خدا آشکار شد« **وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّين** ‏» لباس دین با برخورد شما کهنه شد. «  **وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِين‏**‏». سکوت گمراهان، با رحلت رسول خدا شکسته شده بود. گمراهانی که در پرتو تشعشع نور رسول خدا، خاموش شده بودند، فرصت یافتند بار دیگر در عرصه‌ی جامعه حضور پیدا کنند «  **وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقَلِّين‏**‏» پست فطرتان خاموش، بار دیگر در عرصه ظهور پیدا کردند. گمراهانی ه روزگای در سوراخ‌ها خزیده بودند، امروز در پرتو این حرکت منافقان خود را اظهار می‌کنند و اعلام وجود می‌کنند. « **وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقَلِّين‏**‏» لباس دین کهنه شد. سکوت گمراهان، شکسته شد و پست‌فطرتان خاموش، به سخن در آمدند. «  **وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِين‏**‏» صدای اشتران باطل‌پیشه بلند شد. شتران خوابیده و خاموش باطل، بار دیگر در عرصه‌ی جامعه به خودنمایی پرداختند. «  **فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُم‏**‏» این اشتران باطل‌پیشه دم‌های خود را به حرکت درآوردند تا خود را نشان دهند و گروهی را به گمراهی دعوت کنند. « **وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ ‏**‏». شیطان سر خود را از مخفیگاه خود بیرون آورد. تا رسول خدا بود، شیطان در مخفیگاه خود خزیده بود؛ اما امروز شیطان سر خود را بیرون آورده است. « **هَاتِفاً بِكُم فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِين‏** ‏» شما را صدا می‌کند و می‌بیند که شما مردم دعوت او را به راحتی اجابت می‌کنید. این نقطه‌ی ضعف شماست که زمینه‌ای فراهم آورده‌اید که شیطان‌ها در عرصه‌ی جامعه، حضور پیدا کنند و اعلام وجود کنند « **وَ لِلْغِرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِين‏** ‏». شیطان می‌بیند که شما به راحتی و به آسانی به پیام فریب او پاسخ مثبت می‌دهید. « **ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافا** ‏» شما را به قیام دعوت کرد و می‌بینید که چه راحت دعوت قیام شیطان را پاسخ دادید. مشعل امامت و ولایت را به انحراف کشاندید. « **وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُم‏** ‏ **وَ أَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شِرْبِكُم**‏ » شما به بی‌راهه رفتید. بر شتری که حق شما نبود سوار شدید. ولایتی که در مسیر دیگری مقرر شده بود شما آن را به انحراف کشاندید. عجبا و شگفتا این انحراف بزرگ اعتقادی و اخلاقی در میان شما مردم مدینه، هنگامی اتفاق افتاد که « **هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيب‏** ‏» هنوز عهد رسول خدا زنده است یاد و نام او چهره و سخن او پیام او همچنان در گوش شما هست و جلوی چشم شماست. هنوز زمانی نگذشته است از سخن و دعوت رسول خدا که این گونه شما به انحراف کشیده شده‌اید. هنوز جراحت‌ها التیام نیافته است. هنوز آن دعوت‌ها زنده است و شما به این مسیر افتاده‌اید.

این روان‌شناسی آگاهانه‌ای است که فاطمه‌ی زهرا3 در مسجد مدینه، برای مردم تبیین می‌کند که وضع شما چنین وضعی است. بد مسیری را برگزیدید. آینده‌ی خطرناکی را طراحی کردید. ولایتی که مایه‌ی سعادت و بقا و حیات و عزت و کرامت شما بود، این را از مردی که مجذوب فی ذات الله بود. چهره‌ای که با وجود او آتش‌های فتنه خاموش می‌شد. شمشیری که دشمنان را به جای خود می‌نشاند و انسانی که در امر خدا کوشا بود و در راه خدا، همه‌ی رنج‌ها را به جان می‌خرید، ولایت را از او گرفتید و به گمراهان سپردید. این مسیر بدی است که شما انتخاب کردید. این روشنگری فاطمه بود که مسیر آینده‌ی تاریخ را روشن کند. انحراف پیدا شد اما حق آشکار و واضح باشد و آیندگان بدانند که فاطمه و یادگار رسول خدا و کوثر خدایی، در مسجد مدینه علیرغم همه‌ی هجوم‌ها و تهاجم‌ها آینده‌ی تاریخ را پیشگویی کرد و خطرات را گوشزد کرد و مردم را به بیداری دعوت کرد. سزای این کوثر، چه بود؟ سلام و درود خدا بر تو ای یادگار پیامبر. سازای این علم و این معرفت و این آگاهی و این فهم و این شعور و این حماسه و این بصیرت، احترام و تکریم بود. سزای او شنیدن پیام بیداربخش او بود اما کسی این پیام را نشنید. نه تنها این پیام را نشنیدند بلکه به بدترین وجه پاسخ روشنگری او را دادند. وقتی که بین در و دیوار صدای مظلومانه‌ی فاطمه بلند شد. یا فضه خذینی. مرا دریاب. محسن مرا سقط کردند. لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. (**وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ**)[[6]](#footnote-6)

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[7]](#footnote-7)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[8]](#footnote-8) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند به ما توفیق شناخت اسوه‌های ایمانی و الگوهای اهل‌بیت و حضرت فاطمه را به ما عنایت بفرماید و به ما توفیق ادامه‌ی راه این الگوها را عنایت بفرماید.

## سالروز تاسیس شورای نگهبان

چند مطلب در خطبه دوم است که به صورت کوتاه به آن‌ها اشاره می‌کنم. سالگرد تاسیس شورای نگهبان را پیش رو داریم که در این خصوص چند جمله‌ای را توضیح خواهیم کرد.

### تاریخچه‌ای از تشکیل شورای نگهبان

همان طور که استحضار دارید، یکی از محورهایی که از زمان مشروطه، برای حفظ و نگهداری قوانین کشور از انحرافات و تقابل با مقررات اسلامی مورد نظر علما بوده، از همان دوره‌ی مشروطه، نهادی بود که ناظر بر تطبیق قوانین مصوب مجلس، بر مقررات و احکام اسلام باشد. ما هم در قانون اساسی نظام مشروطه‌ی سلطنتی حضور چند تن از فقها برای تطبیق قوانین با قوانین اسلام داشتیم و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی که اوائل انقلاب به تصویب رسید و مردم به آن رای دادند، نهادی به عنوان نهاد شورای نگهبان، پیشبینی شد.

### نظیر نهاد شورای نگهبان در کشورهای دیگر

نظیر این نهاد در بسیاری از کشورهای دنیا هم وجود دارد. یعنی تعدادی از افراد خبره و کارشناس، تطبیق قوانین عادی را با قوانین اساسی و کلان کشور را متصدی بشوند در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای دیگر هم وجود دارد. در کشورهای بسیار پیشرفته، در کشورهایی که داعیه‌ی بالای دموکراسی دارند این را پذیرفته‌اند که جمعی کارشناس و خبیر و آگاه به قوانین، یک نظارت و کنترل کلی را نسبت به قوانین و انطباق آن با قانون اساسی و قوانین پایه‌ی کشور را متکلف باشند. بنابراین شورای نگهبان، با این نام یا با نام‌های دیگر هم در قانون اساسی سابق کشور ما ریشه دارد و هم در بسیاری از قوانین اساسی دنیا وجود دارد.

### وظایف شورای نگهبان در قانون اساسی

در قانون اساسی ما که ده اصل از آن به تشریح وظایف شورای نگهبان اختصاص دارد روح این وظائف به سه وظیفه و مسئولیت اصلی برای شورای نگهبان برمی‌گردد. شورای نگهبان بر حسب قانون اساسی، متکفل سه وظیفه‌ی اصلی است.

#### تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قوانین اسلامی و قانون اساسی

یک وظیفه، تطبیق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با قوانین اسلام و قانون اساسی است. این یک وظیفه است که ترکیب شورای نگهبان، برای این است که این مجموعه‌ی کارشناس از فقها و حقوق‌دانان این مسئولت اول را به خوبی اجرا کنند و به دور از هر شائبه‌ای، با نظر کارشناسی، انطباق مصوبات مجلس را با قوانین اسلام که مبنای نظام کشور ماست و با قانون اساسی تشخیص بدهند و اگر تشخیص عدم مغایرت داشتند، آن قانون ابلاغ می‌شود و به رسمیت می‌رسد و در صورت تشخیص مخالفت، برمی‌گردد.

#### تفسیر قانون اساسی

وظیفه‌ی دوم شورای نگهبان، تفسیر قانون اساسی است. در همه‌ی کشورهای دنیا، یک نهاد تعیین می‌شود و در مواردی که در تفسیر اصل یا ماده‌ای از قانون اساسی اختلافی به وجود آمد، این اختلاف را رفع می‌کند و در قانون اساسی ما دومین وظیفه‌ای که بر دوش شورای نگهبان گذاشته شده، تفسیر قانون اساسی است و تفسیر آن‌ها بر حسب این وظیفه، ملاک و مبنای عمل مجموعه‌ی نظام و قوای سه‌گانه می‌شود.

#### نظارت بر انتخابات

سومین مسئولیتی که در قانون اساسی به شورای نگهبان سپرده شده، نظارت بر چهار انتخابات است. ما در کشور پنج نوع انتخابات داریم. غیر از انتخابات شوراهای اسلامی در شهر و روستا که نظارت آن بر عهده‌ی شورای نگهبان نیست، در سایر انتخابات‌ها مانند ریاست جمهوری و مجلس و خبرگان در این انتخابات‌ها نظارت بر درستی انتخابات به عهده‌ی شورای نگهبان است. این سه مسئولیتی است که بر عهده‌ی شورای نگهبان نهاده شده است.

### اعضا و نحوه‌ی نصب اعضای شورای نگهبان

در اینجا به چند نکته اشاره می‌کنم و یکی از این نکات، این است که این چنین نظارتی در قانون اساسی بسیاری از کشورها پیشبینی شده است و چیز غریبی نیست. دوم این که در نهاد شورای نگهبان فقط فقها نیستند؛ چون مسئولیت فراتر از مسائل فقهی هم به این شورا گذاشته شده، شش فقیه و شش حقوق‌دان هم دارد. برای این که مجموعه‌ی این وظایف، هم نیازمند به فقه‌شناسی و آگاهی به فقه دارد و هم آگاهی به قوانین ومقررات و حقوق جدید دارد. به همین خاطر ترکیب آن هم یک ترکیب جامع است. انتصاب فقها هم از سوی رهبری است و آن‌ها هم از طریق مجلس و قوای دیگر انتخاب می‌شوند. این هم نکته‌ی دومی که در قانون اساسی پیشبینی شده است.

نکته‌ی سوم در باب شورای نگهبان این است که بعد از اصلاحی که در قانون اساسی به عمل آمد، موارد اختلافی که بین شورای نگهبان و مجلس پیش می‌آمد می‌شد همانجا نگه داشت تا نهایتا خودشان حل کنند اما امام تشخیص دادند و در قانون اساسی هم به رای گذاشته شد برای موارد خاصی که به بنبستی پدیدار می‌شد، مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشبینی شد که در قانون اساسی وظایف مجمع هم تبیین شده است. این مجمع دو وظیفه‌ی اصلی دارد. یکی رفع اختلاف، در مواردی است که بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف افتاده و به بنبست رسیده است که از طریق مجمع تشخیص مصلحت حل می‌شود. وظیفه‌ی دوم این مجمع هم ارائه‌ی مشورت در مسائل کلان نظام، به رهبری است. این هم نکته‌ی دیگری است که در اصلاح قانون اساسی پیشبینی شده است.

### مواضع قاطع امام خمینی از جایگاه شورای نگهبان

نکته‌ی بعدی هم این است که امام در ارتباط با شورای نگهبان چند نکته‌ی محکم داشتند که ما خارج از بحث‌های جناحی و اختلافی که وجود دارد باید همه‌ی جناح‌ها و قوای حاکم کشور، باید به مسیری که امام طراحی کردند را توجه داشته باشند. یک نکته این بود که امام، با تمام وجود از جایگاه شورای نگهبان، به عنوان مدافع اسلامیت نظام و به عنوان محور حفظ اصالت‌های دینی در قوانین مدون و مصوب، با همه‌ی وجود دفاع می‌کرد. سخنان فراوانی از امام داریم که امام یک تنه در عرصه‌ی دفاع از جایگاه و شان شورای نگهبان، به عنوان یک جایگاه مصون‌سازی نظام از انحراف‌های قانونی و انحراف‌های اجرایی دفاع می‌کرد و از تعدی به این جایگاه و بی‌اعتنایی به این جایگاه و شایعه‌افکنی علیه این جایگاه امام برآشفته می‌شد. این یک اصلی است که همه‌ی کسانی که به نظام اعتقاد دارد این را باید از امام بپذیرند و امام در نصب اعضای شورای نگهبان، تاکید بر این جایگاه می‌کرد. در مقابل کسانی که شایعه‌افکنی می‌کردند یک تنه دفاع می‌کرد و هر جایی هم که نیاز بود امام با سخن یا نوشته‌ای این جایگاه را مورد دفاع جانانه می‌کردند و تلاش هم می‌کردند که فقهای قوی و مسلط و مصون از هوای نفسانی را در شورا قرار دهند.

در کنار این البته امام در مواردی که حس می‌کردند که این فقها، باید خودشان را با نیازهای جدید و تحولات زمانه منطبق کنند، به آن‌ها هم هشدار و تذکر می‌دادند که فقه ما اگر بخواهد جوابگو باشد باید این طور طراحی شود. اسلام دینی است که پاسخگوی تحولات زمان است و تذکرات لازم را هم در موقع خود، به شورای نگهبان می‌دادند. امام هم به موقع تذکر می‌دادند و هم با همه‌ِی علاقه، این منزلت به طور کلی محفوظ بماند. این هم نکته‌ای است که باید امروز به آن توجه کنیم. واقعا جناح‌ها و گروه‌ها و قوای مختلف کشور، باید جایگاه و شان شورای نگهبان را داشته باشند و مخدوش نکنند. این که کسی اشکالی دارد باید منتقل شود اما شان شورای نگهبان نباید از بین برود. در نگاه نسل جوان، نباید جایگاه و منزلت و ارزش شورای نگهبان، با توجه به تجارب ممتد تاریخی کشور ما، مخدوش شود. این وظیفه‌ی همه‌ِی کسانی است که به امام، قانون اساسی، انقلاب اسلامی و بقای نظام اسلامی علاقه دارند. این محور نگاه و تاکیدات امام بود.

نکته‌ی دیگر هم این است که شورای نگهبان، برای انجام وظایف خود نیازمند به سازو کارهای مناسبی است که مسئولیت‌های خود را بتواند انجام دهد. این کلیتی است که باید این را بپذیریم. چه در امر نظارت بر انتخابات، چه در تفسیر قانون اساسی، چه در تشخیص انطباق قانون اساسی و با احکام اسلام؛ ساز و کارهای لازم باید دیده شود و باید همه‌ِی قوا با شورای نگهبان همکاری کنند و البته شورای نگهبان هم باید طبق تذکرات و نگاهی که با امام داشت، باید خود را برای حفظ افکار عمومی و پاسخگویی به افکار عمومی و در کنار دقت در انطباق با احکام اسلام که اینجا نباید به هیج وجه کوتاه بیاید، باید به این نکات توجه شود و اگر قرار است جناح‌ها و قوای گوناگون کشور بر حرکت در مسیری باشد که امام طراحی کردند، خیلی از این مشکلات قابل حل است و امیدواریم که ما در مسیری قرار نگیریم که در تجربه‌ی یک صد ساله‌ی گذشته، نشان داد که وقتی که از اسلامیت حکومت فاصله گرفتیم، با گذشت چند دهه، مجددا بحران‌های اجتماعی و دینی در جامعه پدید می‌آید و یکی از ارکان حفظ اسلامیت شورای نگهبان است. این نکاتی بود که در باب شورای نگهبان بود که لازم بود عرض کنم.

## روز بهزیستی و تامین اجتماعی

نکته‌ی بعدی این هفته، مناسبت روز بهزیستی و تامین اجتماعی است که این مناسبت را به هر دو اداره تبریک عرض می‌کنم و از خدمات خوبی که بهزیستی و تامین اجتماعی، به شهر و مردم می‌دهند تشکر می‌کنم. در بازدیدی که از تامین اجتماعی داشتم، گزارشی از فعالیت‌های آن‌ها گرفتم که بسیار خوب بود. این دو نهاد، از نهادهایی هستند که بخشی از عدالت اجتماعی و رسیدگی به نیازمندان بر دوش این دو نهاد است و در مقوله‌های بهداشت روان، مقوله‌های مددکاری و سامان‌دهی به نظام تامین اجتماعی و سایر محورهایی که در حوزه‌ی کار این‌هاست از ادارات خوب و موفق هستند. من هم از همه‌ِی کسانی که در این ادارات کار می‌کنند تشکر می‌کنم و توصیه می‌کنم که تلاش کنید بر حسب وظیفه‌ای که بر دوش شما قرار داده شده است به نیاز مردم و برخورد خوب با مردم توجه داشته باشید. ما در جامعه‌ای که مشکلات متعددی دارد، ادارات ما وظایف سنگینی دارند. درست است که محدودیت‌ها و موانعی جلوی روی ادارات ما وجود دارد اما اگر مجموعه‌ی ادارات، تلاش کنند، مدیران و کارکنان تلاش کنند که هر کسی به وظیفه‌ی خود به نحو احسن عمل کند و اگر هم کاری را نمی‌تواند حل کند اطلاع رسانی و توجیه کند. با اخلاق و رابطه‌ی مناسب پاسخ دهد، خیلی از مشکلات ما کاهش پیدا می‌کند.

### ضرورت اجرایی شدن طرح تکریم در همه‌ی ادارات

من توصیه می‌کنم طرح تکریمی که دولت تصویب کرد و از طرح‌های بسیار خوب است را اجرا کنند. خوشبختانه در پاره‌ای از ادارات، به این طرح عمل می‌شود. اطلاع رسانی و شفاف بودن کار شما و اعلان وظایف شما به مردم و توجیه افکار مردم و عمل به آن وظایفی که بر دوش شماست این‌ها چیزهایی است که خیلی هم دشوار نیست. فقط مقداری احساس مسئولیت و تعهد بیشتر و دل‌سوزی برای جامعه برای پیشرفت و ارتقاع کشور، کافی است برای این که ادارات ما با نشاط و تعهد افزون‌تر، در ایفای وظایف و نقش خود تلاش کنند. بقیه‌ی مباحث، بماند برای هفته‌ی بعد ان‌شاالله.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[9]](#footnote-9)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی کوثر، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بحارالانوار، ج 43، ص 699. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی شعراء، آیه‌ی 227. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-9)